



# آموزه

فصلنامه آموزشی . پژوهشی . تربیتی

شماره ۲۱ - بهار ۸۳



مصاحبه با آقای مهندس عبدالحسین نفیسی

نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی

کالبد شکافی استانداردهای در آموزش و پرورش

معلمان و چشم انداز آموزش و پرورش ( در بیست سال آینده )



# آموزه

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### فصل نابعه آموزشی، پژوهشی، تربیتی

سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان  
شماره بیست و یکم  
بهار ۸۳

مدیر مسؤول  
غلامرضا چنتیان

سردبیر  
سیدمهدی آل صاحب فصول

ناظر چاپ  
رمضان علی فردوسی  
چاپ  
سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان

- سخنرانی جناب آقای مدنیان رئیس سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان در همایش گراس داشت مقام معلم کالبدشکافی استانداردهای در آموزش و پرورش
- ۳ در هزاره‌ی سوم  
کتابخانه‌ی فرهنگ اصفهان
- ۵ دکتر نادرقلی قورچیان  
محمد رضا عسکرانی ۱۰
- ۲۱ پژوهش در عمل رابنک برابیدجان شوستاک ترجمه فاطمه محمدزاده، علی رضا شواخی  
مصاحبه با جناب آقای مهندس عیدالحسین نفیسی
- ۳۲ معلمان و چشم انداز آموزش و پرورش در ۲۰ سال آینده دکتر مهناز لنگرانی ۳۷
- ۴۲ بررسی عوامل مؤثر بر سوء مصرف مواد در دانش آموزان پسر دبیرستانی زرین شهر و راه‌های پیشگیری از آن راحله نورانی و احمد سختاری
- ۴۸ در گلیگان در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ سید کاظم سیارانی و زهرا حجاری  
رابطه بین ویژگی‌های خانوادگی و بهداشت روانی والدین با مسائل آموزشی و رفتاری دانش آموزان ابتدایی گلیگان حسین فیاضی و پروین بختاریور ۵۳
- ۵۷ بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان محسن گلپور و دکتر سیدحمیدرضا غریبی
- ۷۰ بررسی رابطه بین عوامل مدیریتی با میزان مشارکت اولیا، دانش آموزان در امور مدارس ابتدایی نجف آباد محمد اسماعیلی و دکتر مهدی سبحانی نژاد
- ۷۷ معرفی کتاب سیدعلی آل صاحب فصول
- ۷۹ با معلمان هنرمند

آموزه آماده پذیرش مقاله‌های پژوهشی شماست. مقاله‌ها باید در راستای هدف‌های فصل‌نامه باشد. این هدف‌ها به قرار زیر است:

- ارتقاء سطح دانش و بینش و رشد فعالیت‌های تخصصی همکاران فرهنگی از طریق تبادل افکار و انتقال تجارب
  - اطلاع‌رسانی در زمینه برنامه‌ها، فعالیت‌ها و بخش‌های مختلف آموزش و پرورش
  - طرح آرا و اندیشه‌های نو در مورد مسائل و مشکلات آموزش و پرورش
  - ایجاد بستری مناسب برای ارائه ابتکارات و نوآوری‌های معلمان، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش
  - ارائه یافته‌های پژوهشی در حوزه تعلیم و تربیت
  - بررسی پیشینه فرهنگی استان اصفهان و معرفی شخصیت‌های مؤثر در آن براساس اهداف مورد اشاره
- لطفاً مطالب ارسالی را بر روی یک طرف کاغذ و خوانا بنویسید. مقاله‌های ترجمه شده یا نسخه‌ای از متن همراه باشد. مقاله‌های دریافتی پس فرستاده نمی‌شود. آموزه در ویرایش مطالب آزاد است. آراء و عقاید نویسندگان لزوماً نظر آموزه نیست. نقل مطالب یادکر مأخذ آزاد است.

نشانی: اصفهان - خیابان فلسطین - کوی حسن‌آباد - پلاک ۱۱ - مرکز تحقیقات معلمان  
نشانی ما بر روی اینترنت: [WWW.MAGIRAN.COM](http://WWW.MAGIRAN.COM)  
تصاویر روی جلد مربوط به همایش بزرگداشت مقام معلم در اردیبهشت ۱۳۸۲ می‌باشد.

بها ۲۰۰۰ ریال

# کتابخانه‌ی فرهنگ اصفهان

(بخش نخست)

محمد رضا عسکرانی<sup>(۱)</sup>

## واژگان کلیدی

اصفهان، اداره‌ی معارف، اداره‌ی فرهنگ، کتابخانه،

مشروطیت، مدرسه‌ی چهارباغ

گرفته است.

## مقدمه

آدمی از روزگاران کهن به‌ارزش ثبت دست‌آورده‌های علمی و فرهنگی پس برده و با درج تفکرات و تجربیاتش، از سویی به‌نگهداری و انتقال موارث ارزشمند همت گماشت و از سوی دیگر به‌سبیل درونی خویش - که همانا جاودانه شدن و رسیدن به‌حیات ابدی است - پاسخ داد. کتاب ثمره‌ی این نیازهای حیاتی انسان می‌باشد که از هزاران سال پیش تاکنون همدم او بوده است. کتاب‌خانه‌ها نیز سرگذشتی بسیار مفصل دارند و کاوش‌های باستان‌شناسی و متون کهن، هر روز نشان تازه‌ای از تلاش آدمی برای نگهداری منابع نوشتاری به‌دست می‌دهند. کتاب‌خانه‌ی «آشورباتی پال»<sup>۱</sup> در قرن هفتم قبل از میلاد از قدیمی‌ترین کتاب‌خانه‌های جهان باستان به‌شمار می‌رود و کتاب‌خانه‌ی «اسکندریه»<sup>۲</sup> با دارا بودن چهار صد هزار نسخه و کتاب‌خانه‌ی «پرگام»<sup>۳</sup> با حدود دویست هزار جلد کتاب از کتاب‌خانه‌های معتبر دوران قدیم بوده‌اند. در ایران نیز از عهد باستان کتاب‌خانه‌های معتبری وجود داشته که بیانگر پیشینه‌ی فرهنگی در این مهد تمدن بشری است.

## کتاب‌خانه‌های مهم ایران

«کنزیاس» پزشک یونانی که به‌اسارت ایرانیان درآمده بود، پس از بازگشت به‌یونان به‌کار نویسندگی اشتغال ورزید و به‌گفته‌ی خودش در تألیف کتاب «پرسیکا» از سال‌نامه‌ها و دفترهای رسمی دربار ایران سود برد.<sup>۴</sup> در تخت جمشید نیز هزاران لوحه‌ی گلی به‌خط مبخی کشف شده که به‌طرز جالبی نگهداری می‌شده‌اند و حاوی اطلاعات گران‌قیمتی است.<sup>۵</sup> ساسانیان نیز با پایه‌گذاری دانشگاهی چون چندی شاپور، کتاب‌خانه‌ای حاوی کتاب‌هایی از

## چکیده

اصفهان دانشمندان و فرزاتگان بی‌شماری را در خود پرورانده و از همین رو، همواره بازار کتاب و کتاب‌خوانی در آن رونقی به‌سزا داشته است. وجود نظامیه‌ها، مدارس دینی و سایر مراکز آموزشی سازمان یافته نیز موجب گردیده تا نگهداری مناسب کتاب‌های این مراکز و استادان برجسته‌ی آن به‌صورت یک نیاز همیشگی در آید و به‌دیگر سخن، کتاب‌خانه‌های معتبری در این شهر پدید آید. بسیاری از این کتاب‌خانه‌ها در تندباد حوادث تاریخی یا به‌کلی از میان رفته‌اند و با پراکنده گردیده‌اند، چنانکه در سال‌های پایانی قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) محلی که بتوان به‌درستی آنرا کتاب‌خانه نامید، در اصفهان وجود نداشت.

در سال‌های پس از مشروطیت، تأسیس کتاب‌خانه در سرلوحه‌ی اقدامات فرهنگی نوگرایان قرار گرفت و قرائت‌خانه‌ها و کتاب‌خانه‌های مختلفی به‌وسیله‌ی مشروطه‌خواهان در اصفهان ساخته شده اما نقطه‌ی اوج این حرکت، تأسیس کتاب‌خانه‌ی معارف می‌باشد که اولین کتاب‌خانه دولتی برای استفاده‌ی عمومی در اصفهان است. این کتاب‌خانه در مرکز شهر، بر حاشیه‌ی خیابان با صفای چهارباغ عباسی و در قسمت جنوب غربی مدرسه‌ی چهارباغ - نگین معماری عصر صفوی - پایه‌گذاری گردید. کتاب‌خانه‌ی نمره یک فرهنگ با در اختیار داشتن مجموعه‌ای نفیس از کتاب‌های خطی و چاپی و نشریات ادواری به‌زودی به‌یک مرکز بزرگ فرهنگی آموزشی تبدیل شد و نقشی سازنده‌ای را در ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی به‌عهده گرفت. این کتاب‌خانه چشم و چراغ اداره‌ی فرهنگ اصفهان و مبعادگاه دانش‌پژوهان بود. در این مقاله روند شکل‌گیری تا انحلال این کتاب‌خانه مورد بررسی قرار

\* - دانشجوی دکتری تاریخ

زبان‌های مختلف را پدید آوردند و کتاب‌های نفیسی که بزدگرد سوم در آخرین روزهای خویش به خراسان برد، آن اندازه بودند که تا زمان مأمون دوام آورده، دانش‌پژوهانی را از عراق به خراسان بکشاند و خزانه‌ی کتاب‌خانه‌ی بیت‌الحکمه در بغداد را از نقایس خود انباشته گرداند.<sup>۶</sup>

بعد از فتوری که با حمله‌ی اعراب به ایران پیش آمد، هم‌زمان با تشکیل حکومت‌های مستقل اسپراتس، دوران تساهلی در مجموعه‌سازی کتاب آغاز شد.<sup>۷</sup>

کتاب‌خانه‌ی سامانیان که این‌سینا مدت‌ها در آن به مطالعه پرداخت، شهرتی سزاوار کسب کرد و صاحب‌بن‌عباد وزیر دانشمند آل‌بویه کتاب‌خانه‌ی افزون بر یک صد و هفتاد هزار کتاب فراهم آورد. وی کتاب‌خانه‌ی بزرگش را از اصفهان به‌ری منتقل ساخت و آن‌را وقف عام گردانید. یعنی: آن را کتاب‌خانه‌ی عمومی اعلام کرد.<sup>۸</sup>

کتاب‌خانه‌ی الموت که توسط حسن صباح پایه‌گذاری شد، چنان عظیم بود که فقط جداسازی و نابود کردن کتاب‌های مذهب اسماعیلی از میان سایر کتاب‌ها چند ماه وقت لازم داشت؛<sup>۹</sup> اما هر چه باقی ماند آن اندازه بود تا در کنار کتاب‌های دیگری که از سایر مناطق فتح شده توسط مغولان به‌دست می‌آمد، کتاب‌خانه‌ی مراغه را پر رونق سازد. مجموعه‌ای که به‌قولی تعداد کتاب‌های آن چهارصد هزار و خرج ترتیب یافتن آن دویست هزار دینار بود.<sup>۱۰</sup> یکی دیگر از کتاب‌خانه‌های نفیسی و گران‌قدر ایران در وزیر رشیدی قرار داشت که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بنیاد گذارده شد. کتاب‌خانه‌ی این شهرک دانشگاهی - مطابق آن‌چه در وصیت‌نامه‌ی خواجه آمده است - دارای نزدیک هزار جلد قرآن بسیار نفیسی و شصت هزار جلد انواع کتاب‌های علمی، ادبی، تاریخی و غیره بوده است.<sup>۱۱</sup>

### کتاب‌خانه‌های اصفهان

سرگذشت اساطیری اصفهان با کتاب و کتاب‌خانه در هم آمیخته است. بر اساس اسطوره‌ها در روزگار تهمورث اخترشناسان خبر از توفانی بزرگ دادند و وی دستور داد تا محلی را که از آسیب زلزله و نمناکی در پناه باشد، برگزینند و در آن جا دژی برای پاسیانی از دانش‌های نیاکان بسازند. پتاپان و آگاهان، مکان

دسارویه اصفهان را پستیدند و دژ سارویه یا «کهندز» اصفهان را ساختند و آن‌چه از دانش‌های گوناگون در گنج‌خانه‌ی تهمورث بود، بر پوست درخت «نوز» نوشتند و در آن جا نهادند تا از آسیب توفان در امان باشد.

این ندیم ضمن نقل حکایت بالا، گزارش جالبی را در کتاب الفهرست آورده است. وی می‌نویسد: «در سال ۲۵۰ ق. قسمتی از دژ سارویه «جی» خراب شد. گمان نمی‌رفت که در آن جا اتاق یا جای سکونتی باشد، لیکن انباری پدیدار گشت که در آن کتاب‌های بسیار به‌دست آمد و کسی به‌خواندن آن‌ها آشنا نبود. «ابن عمید»<sup>۱۲</sup> مجلداتی از این کتاب‌ها را که در زمان پیدا شدن بوی تند و زننده‌ای داشت، برای ترجمه به‌بغداد فرستاد. این ندیم هم‌چنین مدعی است که در سال ۳۲۲ ق. شماری از این کتاب‌ها را به‌چشم دیده است.<sup>۱۳</sup>

این واقعیت که در نیمه‌ی قرن سوم هجری مخزنی از کتاب‌های عهد باستان در اصفهان کشف گردید، نشان‌دهنده‌ی پیشینه‌ی فرهنگی این شهر است. در دوران اسلامی نیز اصفهان در چند نوبت به‌بایختی برگزیده شد و هر بار به‌دلیل مرکزیت یافتن سیاسی، از لحاظ اجتماعی و فرهنگی هم رونقی بسزا یافت. در قرن چهارم هجری که آل‌بویه آن را به‌بایختی برگزیدند، محیط فرهنگی اصفهان به‌گونه‌ای مساعد بود که این سینا در واپسین سال‌های عمر خویش، آن جا را برای سکونت انتخاب کرد و در واقع طولانی‌ترین دوره‌ی آرامش نسبی در زندگی این سینا نه سالی بود که او در اصفهان در دربار علاءالدوله گذراند.<sup>۱۴</sup>

در دوران سلجوقیان که اصفهان مرکز سیاسی یک امپراتوری وسیع گشت، به‌همت خواجه نظام‌الملک - وزیر دانشمند آل‌ب ارسلان و ملک‌شاه - این شهر نه تنها شاهد تأسیس «نظامیه»های بی‌مانند گردید، بلکه کتاب‌خانه‌های بزرگی برای رفع نیازهای مدارس متعدد آن پدید آمد. خاندان خجندیان که به‌دعوت خواجه نظام‌الملک به‌اصفهان مهاجرت کرده بودند، کتاب‌خانه‌ای بی‌مانند در اصفهان پدید آوردند<sup>۱۵</sup> و سلطان محمد سلجوقی مدرسه‌ای معتبر دارای کتاب‌خانه‌ای بزرگ بنیاد نهاد.<sup>۱۶</sup>

اما پر شکوه‌ترین دوره‌ی فرهنگی اصفهان را باید از زمانی دانست که شاه عباس اول این شهر را به‌بایختی انتخاب کرد (۱۰۰۶ ق.). وی که به‌انواع هنرها عشق می‌ورزید، نه تنها

هشتمندان، بلکه دانشمندان و فرزندانگانی را به اصفهان فراخواند و این شهر را مهد فرهنگ و تمدن ایران ساخت.

شاه عباس کتابخانهی نفیس شاه تهماسب و سلطان محمد خدابنده را به میراث برده بود و پس از انتقال پایتخت به اصفهان، خوش نویسان، نقاشان و مذهبیان بسیاری را در کتابخانهی سلطنتی اصفهان گرد آورد. ترقی هنر کتابسازی در دوران وی تا به آن جا رسید که قاضی احمد بن میر منشی بخش عمدهی تذکره‌ی «گلستان هنر» خود را به معرفی این دسته از هشتمندان زمان شاه عباس اختصاص داد. عظمت کتابخانهی سلطنتی شاه عباس را از صورت کتاب‌هایی که وی وقف آستان قدس رضوی کرده است می‌توان حدس زد.<sup>۱۷</sup> جانشینان شاه عباس نیز در تکمیل این میراث ارزنده کوشیدند. در کتابخانهی شاه سلیمان که «میرزا مقیم» کتاب‌دار آن بود و در محل ساختمان «تالار طویله» نگهداری می‌شد، اضافه بر پانزده هزار جلد کتاب خطی بسیار نفیس، نزدیک به پانصد جلد کتاب به‌زبان آلمانی، فرانسوی و هلندی وجود داشته است که از راه‌های مختلف - از جمله تصرف کلیسای پرتغالی‌ها در هرمز یا کاروان‌های ورودی به اصفهان - فراهم شده بودند.<sup>۱۸</sup>

اما شاید در هیچ‌یک از ادوار تاریخ، به‌مانند زمان شاه سلطان حسین، بازار کتاب‌خانه‌ها و مدارس دینی دارای مخازن کتاب معتبر، گرم نبوده است. شاه سلطان حسین «مدرسه چهارباغ» را به‌زیباترین صورت ممکن بنا نهاد<sup>۱۹</sup> و کتاب‌های نفیس و ارزنده‌ای را که در کتابخانهی سلطنتی بود به این مدرسه منتقل کرد. وی تا زمان محاصره‌ی اصفهان به‌دست افغان‌های شورشی، آنچه ممکن بود کتاب فراهم می‌آورد و به کتابخانهی «مدرسه‌ی سلطانی» اهدا می‌کرد.<sup>۲۰</sup>

هجوم افغان‌ها که سرنوشتی دردناک را برای تاریخ ایران رقم زد، در نخستین حرکت ویرانگر خود، پایه‌های فرهنگی شهر اصفهان را لرزاند و دوره‌های پر آشوب زنده‌ی و افشار نیز جز کم فروغ شدن هر چه بیشتر مدارس و بس رونق شدن کتابخانه‌ها، بی‌امدی نداشت. در این سال‌های آشفتگی آنچه به حساب نمی‌آمد، گردآوری کتاب و اندیشه‌ی کتابخانه‌داری بود.<sup>۲۱</sup>

اصفهان در آغاز دوران قاجار به مانکنده‌ای می‌مانست که حتی کم‌ترین تمایلی حاکمی حریص را برای حکومت بر این شهر بر

شمی انگلیخت و والیان با بی‌میلی اداره‌ی امور این شهر را می‌پذیرفتند.<sup>۲۲</sup>

**رویکردهای نوین کتابخانه‌داری اصفهان**  
اصفهان در سال‌های آغازین سده‌ی چهاردهم هجری به آرامی در معرض تفکرات بیدارکننده قرار گرفت. نوگرایان و آزادی‌خواهان این شهر کوشیدند تا با برهم زدن بنیان‌های کهن، نظم تازه را بی‌افکنند و تلاش آنان با بروز نهضت مشروطیت به‌بار نشست. این تغییرات در عرصه‌های آموزشی و روزنامه‌نگاری آشکارتر بود و به تدریج سایر زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی را نیز در بر گرفت. یکی از این تحولات، گسترش فرهنگ مطالعه و پیدایش فضاهای عمومی برای مطالعه بود که تا آن زمان سابقه نداشت. پس از مشروطیت در اصفهان مراکزی به‌وجود آمدند که اهالی - حتی بی‌سوادان - امکان استفاده از روزنامه‌ها و کتاب‌های مفید را در آن جا به‌دست آوردند.

اینک برای بررسی پیشینه‌ی کتابخانه‌ی «فرهنگ» - که به‌گمان ما مهم‌ترین و اولین کتابخانه‌ی عمومی اصفهان بوده است - نخست به تأثیرات تشکیل «انجمن معارف» در بسترسازی فرهنگی برای تأسیس کتابخانه‌های عمومی اشاره می‌نماییم؛ سپس چگونگی تلاش‌های صورت گرفته برای تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در اصفهان را بررسی می‌کنیم و سرانجام به‌روند تکوینی «کتابخانه‌ی فرهنگ اصفهان» خواهیم پرداخت.

### انجمن معارف

در شوال ۱۳۱۵ ق. چند تن از علاقه‌مندان گسترش مدارس جدید «انجمن معارف» را تشکیل دادند. میرزا علی‌خان امین‌الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه برای حمایت از ادامه‌ی تأسیس مدارس به‌شیوه‌ی «مدرسه رشديه» پیش‌نهاد برپایی این انجمن را داد و افرادی چون «یحیی دولت‌آبادی»، «احتمشام السلطنه»، «میرزا محمودخان مفتاح‌الممالک»، «میرزا مهدی‌خان مستحق‌الدوله»، «سید حسین رشديه» و تنی چند از دوستداران توسعه‌ی فرهنگی در آن گرد آمدند. هدف اصلی انجمن معارف یاری رساندن به تأسیس مدارس جدید و ایجاد تغییراتی در نظام آموزشی بود. با این وجود اهداف دیگری نیز در اساس نام‌ی انجمن پیش‌بینی

گردید که از آن جمله می‌توان به تأسیس کتاب‌خانه‌ی ملی، ایجاد دارالترجمه، راه‌اندازی انتشارات و برپایی کلاس‌های آموزش بزرگسالان اشاره کرد. اعضای این انجمن و... در نظر داشته‌اند مکان را وسعت داده به اندازه‌ی بی‌که یک حوزه‌ی ملی تجدید پرور... باشد، آن را به یک نهاد فعال سیاسی تبدیل سازند.<sup>۲۴</sup> لیکن برکناری امین‌الدوله فعالیت آنان را محدود ساخت و انجمن معارفه از رونق افتاد اما نهالی که نشانده شده بود سال‌ها بعد با پیروزی مشروطیت به ثمر رسید و آن هدف‌ها در یک فضای سیاسی تازه از سر گرفته شد.

یکی از نخستین اقدامات انجمن معارف تلاش برای تأسیس کتاب‌خانه‌ی ملی بود. اعضای انجمن با شور بسیار برای اساس نهادن یک کتاب‌خانه‌ی عمومی همت گماشتند و به‌زودی افزون بر هزار جلد کتاب در مکانی مخصوص گردآوری نمودند. سرپرستی این کتاب‌خانه نیز به عهده‌ی «محمد اسماعیل آجودان‌باشی» واگذار گردید.<sup>۲۵</sup>

این واقعیت که اعضای انجمن معارف امر آموزش را از موضوع اطلاع‌رسانی و گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی جدا ندانسته‌اند و تقویت فرهنگ جامعه را از طریق تأسیس کتاب‌خانه‌های عمومی بخشی از اهداف آموزشی به‌حساب آورده‌اند، گویای روشن‌بینی آنان است. کتاب‌خانه‌های عمومی نقش بسیار مهم و برجسته‌ای را در بالا بردن سطح فرهنگ و دانش ملت‌ها بازی می‌کنند و از همین رهگذر است که می‌توان گفت شمار کتاب‌خانه‌های عمومی در هر کشور نشانه‌ی بارزی از رشد اجتماعی و بالا بودن سطح معلومات و علاقه‌ی آن ملت به پیشرفت می‌باشد.

این اقدام انجمن معارف بعد از پیروزی نهضت مشروطیت در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمودی تازه یافت و سرانجام ادارات معارف هر شهر، پایه‌گذار کتاب‌خانه‌های عمومی شهرهای مختلف گردیدند. کتاب‌خانه‌های معارفی در گذر زمان -بسی تغییراتی که در این وزارت‌خانه پدیدار شد-، به کتاب‌خانه‌های فرهنگ تغییر نام داد و کتاب‌خانه‌ی نمره یک فرهنگ اصفهان، نیز به همین شیوه هستی گرفت.

#### زمینه‌سازی برای کتاب‌خانه‌ی عمومی در اصفهان

انتشار روزنامه‌ی فرهنگ (۱۲۹۶ تا ۱۳۰۸ ق.) آغازی بر یک رشته فعالیت‌های نوین فرهنگی در اصفهان به‌شمار می‌رود.<sup>۲۶</sup>

میرزا محمد تقی خان کاشانی با چاپ «فرهنگ» نه تنها به پیدایش نخستین روزنامه در اصفهان عینیت بخشید، بلکه با درج مقالات روشنگرانه، در بالا بردن سطح آگاهی خوانندگانش می‌کوشید. یکی از موضوعات مطرح شده در این روزنامه لزوم پرداختن به امر کتاب‌خانه‌ها می‌باشد. مدیر روزنامه‌ی فرهنگ می‌نویسد: «... جای افسوس است که هنوز در مملکت مان قدر و قیامده‌ی [کتابخانه عمومی] این اسباب ترقی و آموزگاری عامه، دانسته نشده است. دارای کتاب‌خانه بودن مخصوص و منحصر به‌خواص است و عوام را از کتاب‌خانه‌ی خواص نصیبی نیست...»<sup>۲۷</sup>

جالب است بدانیم که اولین اقدام عملی برای تأسیس کتاب‌خانه‌ی عمومی در جلفای اصفهان صورت پذیرفت و این محله‌ی ارمنی‌نشین، همان‌طور که برای تأسیس مدارس جدید پیش‌گام بود، در ایجاد کتاب‌خانه‌ی عمومی نیز زودتر از سایر محلات اقدام کرد.<sup>۲۸</sup> ساکنان مسیحی جلفا کتاب‌خانه‌ای در منطقه‌ی خود تأسیس نمودند که در آن انواع کتاب‌ها و روزنامه‌ها عرضه می‌شد. این مرکز مطالعاتی دارای نظام‌نامه‌ی مفصلی بود که به‌طور کامل در روزنامه‌ی فرهنگ به‌چاپ رسید. نام این کتاب‌خانه را به پاس خدمات مخترع خط ارمنی «قرائت‌خانه مسروبیان» گذاشتند.<sup>۲۹</sup>

تا پیش از مشروطیت به‌جز مقالات روشنگرانه فرهنگ و تأسیس قرائت‌خانه مسروبیان، نمونه‌ی دیگری از تلاش برای ایجاد کتاب‌خانه عمومی در اصفهان سراغ نداریم. قرائت‌خانه مسروبیان اگر چه می‌توانست سرمشق مناسبی برای سایر محلات به‌شمار آید؛ اما تا سال‌ها بی‌رقیب باقی ماند. روزنامه‌ی فرهنگ نیز دو سالی بعد تعطیل شد (۱۳۰۸ ق.) و تا سال‌های دراز روزنامه‌ای در اصفهان منتشر نمی‌گردید. در این هنگام انسداد سیاسی حاکم بر این شهر اجازه‌ی هیچ‌گونه فعالیت اصلاح‌طلبانه را نمی‌داد. افق اصفهان تاریک، هوای آن برای تنفس آزادی‌خواهان مسموم و روزگارشان مغموم می‌گذشت. برخی از ایشان نیز که به‌دلیل فعالیت‌های بیدارگرانه متهم به فساد عقیده شده بودند، ناچار شهر را ترک کرده، به تهران و یا حتی خارج از کشور مهاجرت نمودند.<sup>۳۰</sup>

سال‌های تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. در چنین سال‌های بحرانی یک پیش‌نهاد سازنده، از طرف یکی از غیورترین چهره‌های فرهنگی اصفهان در شورای فرهنگ استان دهم، موجب گردید که اولین کتاب‌خانه‌ی عمومی به‌مفهوم واقعی در اصفهان تأسیس شود.

امیرقلی امینی، نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور پس از سال‌ها مشارکت در انتشار روزنامه‌ی اخگر، در همین سال (۱۳۲۲ ش.) روزنامه‌ی اصفهان را به‌زیر چاپ برد. وی با راه‌اندازی جمعیت شیر و خورشید سرخ (هلال احمر) و ایجاد پرورشگاه و شیرخوارگاه برای کودکان بی‌سرپرست در اصفهان (۱۳۱۳ ش.)، به‌یک چهره‌ی محبوب اجتماعی تبدیل شده بود. امینی در نامه‌ای که به‌تاریخ ۱۳۲۲/۹/۹ برای رئیس اداره فرهنگ نوشته است، اقدام خود را این‌گونه تشریح می‌کند:

«... از آن جایی که از آغاز جوانی آرزومند بودم شهر تاریخی اصفهان دارای یک کتاب‌خانه‌ی عمومی و جامع و مفید باشد به‌همین جهت در یکی از جلسات شورای عالی فرهنگ اصفهان... پیش‌نهاد تأسیس کتاب‌خانه‌ای را از طرف اداره فرهنگ اصفهان نمودم و این کار نیک و مهم خوش‌بختانه به‌وسیله آقای احسنی رئیس فرهنگ وقت در اسرع وقت انجام گرفت و در نتیجه شخصاً در حدود سیصد و هفتاد جلد کتاب<sup>۳۶</sup> همان موقع تقدیم کتاب‌خانه‌ی مزبور کردم و اینک چهار صد و هفت جلد کتاب به‌زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی و اسپرانتو طبق صورت پیوست به‌وسیله‌ی آن اداره‌ی محترم به‌کتاب‌خانه‌ی فرهنگ اصفهان تقدیم می‌نمایم... در خاتمه امیدوارم که اگر عمری باقی بود، بتوانم در آینده تعداد کتاب‌های اهدایی خود را به‌کتاب‌خانه‌ی فرهنگ اصفهان حداقل به‌یک هزار نسخه بالغ نمایم...»<sup>۳۵</sup>

همان‌گونه که در این نامه هم آمده است «حسین علی احسنی» رئیس اداره‌ی فرهنگ اصفهان نقش زیادی در راه‌اندازی این کتاب‌خانه داشت. وی حتی در گزارشی که در تاریخ ۱۳۲۳/۲/۱۳ پس از گشایش کتاب‌خانه‌ی فرهنگ برای وزارت‌خانه نوشته است، خود را بنیان آن دانسته، می‌نویسد: «... یکی از نقایصی که در

حوزه‌ی فرهنگی این شهرستان موجود بود، نبودن کتاب‌خانه‌ی فرهنگ بود و مدت‌ها این جانب درصدد بود که وسایلی را فراهم و اقدام به‌گشایش کتاب‌خانه بنماید. در این موضوع مطالعات بسیار شد و موضوع را هم در سال گذشته در شورای فرهنگ مطرح نمود و بالاخره تصمیم گرفته شد که در ساختمانی که در قسمت جنوب غربی مدرسه‌ی چهارباغ واقع است و سابقاً اختصاص به‌دبیرستان معقول و منقول داشته... اقدام به‌تأسیس کتاب‌خانه شود... و برای تهیه‌ی کتب این‌طور در نظر گرفته شد که کتب مشروحه به‌شرح زیر جمع‌آوری شوند:

- ۱- از کتب قدیمی خود مدرسه چهارباغ که اغلب به‌زبان فارسی و عربی و شامل فقه و اصول و شرعیات و صرف و نحو و امثال آن می‌باشد. ۲- از کتب قدیمی دبیرستان صامیه ۳- از کتب غیرکلاسی آموزشی‌هایی که به‌مرور یا خریداری شده و یا از اداره فرهنگ ارسال فرموده‌اند... به‌طور کلی به‌استثنای مقدار زیادی مجلات... و به‌استثنای نسخ تکراری، مقدار ۲۷۱۹ کتاب جمع‌آوری و در قفسه‌های مخصوص... کلاس به‌طبقه‌بندی گردید...»<sup>۳۶</sup>

این پیش‌نهاد پسندیده برای اولین بار از طرف هر یک از این دو نفر که مطرح شده باشد، از ارزش اقدامات دیگری نمی‌کاهد. امیرقلی امینی با وجود معلولیت جسمی یک نمونه‌ی واقعی از پشتکار و فعالیت و یک انسان دوست واقعی بود. او نه تنها با اهدای شمار قابل توجهی از کتاب‌هایش در زمان حیات، به‌بنیاد نهادن این کتاب‌خانه باری رساند، بلکه وصیت کرد پس از مرگ تمام کتاب‌های کتاب‌خانه‌ی شخصی‌اش (به‌جز پنجاه جلد) به‌کتاب‌خانه‌ی فرهنگ اهدا شود.<sup>۳۷</sup> وی از نفوذ خویش به‌عنوان ریاست انجمن شهرداری، دبیر شورای فرهنگ و به‌خصوص یک روزنامه‌نگار پر سابقه، بهره‌گرفت و در محافل اجتماعی و فرهنگی متعددی که در آن‌ها راه داشت، از این اقدام پشتیبانی می‌کرد.

حسین علی احسنی رئیس اداره فرهنگ اصفهان نیز با انتصاب شایسته «علی محمد فروشی» (مترجم همایون)<sup>۳۸</sup> و استفاده از تمامی امکاناتی که در اختیار داشت، به‌راه‌اندازی کتاب‌خانه همت گماشت. به‌دستور وی آقایان «وقای» و «حکیم فعال» از کارکنان

اما بروز نهضت مشروطیت وضع را یک باره تغییر داد. روزنامه‌های طرفدار مشروطه یکی پس از دیگری به چاپ رسید و افکار آزادی‌خواهان امکان نشر یافت. مدرسه‌های جدید برپا شد و مدیران این مدارس ضرورت تهیه کتاب‌های درسی تازه را به فراست دریافته‌اند. آنان در کنار کتاب‌های سنتی، کتاب‌هایی درباره علوم جدید، زبان‌های خارجی و همچنین روزنامه‌ها و مجلات مختلف را گردآوری می‌نمودند تا در اختیار دانش‌آموزان خود قرار دهند. بعضی پا را فراتر گذارده، قرائت‌خانه‌های عمومی ایجاد کردند و از این طریق به ترویج افکار تازه پرداختند. یکی از این کتاب‌خانه‌ها که افزون بر برآورده ساختن نیازهای مدرسه، شکل ابتدایی یک کتاب‌خانه عمومی را به خود گرفت، «قرائت‌خانه‌ی گلپهار» می‌باشد. پایه‌گذار این قرائت‌خانه «حاج سید سعید طباطبایی نایینی» است که مدرسه‌ی گلپهار را در سال ۱۳۲۷ ق. به سبک جدید و با مدیریت «سید ضیاءالدین جناب» اساس نهاد. وی که شغل اصلی‌اش کتاب‌فروشی بود، با راه‌اندازی «چاپ‌خانه‌ی گلپهار» و ایجاد «قرائت‌خانه‌ی گلپهار» یک مجموعه‌ی کامل فرهنگی را سامان‌دهی کرد. حاج سید سعید طباطبایی هم چنین انجمنی با شرکت جمعی از روشنفکران و نوگرایان به نام «انجمن گلپهار» به وجود آورد که به فعالیت‌های مختلف فرهنگی مانند برگزاری کلاس‌های بزرگسالان و تأسیس کتاب‌خانه اقدام نمودند. کتاب‌خانه‌ی گلپهار با «... پنج هزار [جلد] کتب علمی و تاریخی و رمان و اخلاقی و غیره...» در محل مدرسه‌ی گلپهار به وجود آمد که بانیان آن اعلان نمودند: «... به هیچ اسم و رسم، دیناری از واردین دریافت نخواهد شد.»<sup>۳۱</sup>

سید ضیاءالدین جناب در تاریخچه‌ای که درباره‌ی معارف اصفهان نوشته است، به این موضوع اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: «... در همان اوان به فکر تأسیس قرائت‌خانه افتاده، با یاری و مساعدت بعضی آقایان معارف‌پرور مخصوصاً (آقای شکرالله خان [نسانی] و آقا سید نورالله خان) به افتتاح قرائت‌خانه مجانی موسوم به گلپهار با یک اسلوب و رویه مطبوع و خوشی موفق گشتیم و قرائت‌خانه مزبوره با وجود کسر بودجه در کمال خوبی اداره می‌شد تا جمادی الاول ۱۳۳۴ ق. اثنالیه از میان رفت و ترمیم آن

به پاره‌ای ملاحظات میسر نگشت...»<sup>۳۲</sup>

### تشکیل کتاب‌خانه‌ی فرهنگ

بررسی اسناد بایگانی راکد سازمان آموزش و پرورش نشان می‌دهد که سال‌ها پیش از تأسیس کتاب‌خانه‌ی فرهنگ، کتاب‌خانه‌ای در محل اداره‌ی معارف وجود داشته که تا سال ۱۳۱۶ شمسی افزون بر ۸۴۰ جلد کتاب در آن موجود بوده و فردی به نام کلیاسی در این سال متصدی کتاب‌خانه بوده است. معلوم نیست به چه دلیل وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه‌ی وقت پس از بازدید از اداره معارف اصفهان در واپسین روزهای اسفند ۱۳۱۶ دستور انحلال این کتاب‌خانه و تقسیم کتاب‌های آن در میان دبیرستان «معقول و منقول» و «دبیرستان سعدی» را می‌دهد. همین قدر می‌دانیم که وزیر در ۱۴ فروردین ۱۳۱۷ طی نامه‌ای ضمن تأکید بر انتقال کتاب‌های کتاب‌خانه معارف، دستور می‌دهد: «... از این به بعد از کلیه کتب ارسالی از مرکز یک نسخه برای کتاب‌خانه دبیرستان چهارباغ بفرستید که کتاب‌خانه‌ی آنجا کامل گردیده، مورد استفاده‌ی دانش‌آموزان واقع شود...»<sup>۳۳</sup>

به نظر می‌رسد هر دو دبیرستان پیش از آن خود دارای کتاب‌خانه بوده‌اند، اما این که چرا دبیرستان معقول و منقول در میان دبیرستان‌های اصفهان باید از کتاب‌های فرستاده شده از پایتخت نصیب ببرد، معلوم نیست. «محمد تقی صدری» مدیر دبیرستان سعدی و «نورالله نورشرف» متصدی کتاب‌خانه‌ی دبیرستان معقول و منقول سرانجام پس از قهرست‌برداری، مقدمات انتقال این کتاب‌ها را برگزار می‌کنند و اولین گام برای تجهیز کتاب‌خانه‌ای که در محل دبیرستان معقول و منقول واقع در ضلع جنوبی مدرسه‌ی چهارباغ به وجود آمده بود، برداشته می‌شود. از سرنوشت این کتاب‌خانه در نزدیک پنج سال بعد از این تاریخ هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست. البته این سال‌ها مقارن با جنگ جهانی دوم می‌باشد و نایره‌ی جنگ کمتر از دو سال و نیم بعد از این نقل و انتقال به ایران هم رسید. کشور از شمال و جنوب مورد حمله قرار گرفت و به‌اشغال متفقین در آمد. اوضاع مملکت تا زمستان ۱۳۲۲ ش. که بار دیگر موضوع کتاب‌خانه‌ی چهارباغ مطرح گردید، هنوز آرام نشده بود. و این سال‌ها از حساس‌ترین

اداره فرهنگ همه روزه از ساعت ۱۶/۳۰ در محل حاضر می شدند تا مقدمات گشایش کتابخانه را فراهم آورند. یک خدمتگزار برای رسیدگی و حفظ اموال گماشته شد و حسابداری اوقاف و حسابداری اداره فرهنگ، مسؤول رسیدگی به نیازمندی های کتابخانه شدند. هم چنین به همی دبیرستان های دولتی دستور داده شد تا کتاب های اضافی غیر درسی را حداکثر تا اسفند ۱۳۲۲ تحویل کتابخانه دهند. احسنی که از جدی ترین مدیران کل آموزش و پرورش اصفهان است، از سرقراری روابط عمومی مناسب با ادارات دولتی غافل نماند و گزارش این اقدامات را به طور مرتب برای مطبوعات اصفهان (عرقان، نقش جهان، اصفهان، راه نجات، سرنوشت، دانش، صدای وطن، صدای اصفهان، ارزنگ، سپنتا) ارسال می کرد. اثر مثبت تبلیغات اداره فرهنگ به گونه ای بود که مدیر کل اداره باستان شناسی با ارسال نامه ای در تاریخ ۲۳/۲/۲۳ ضمن تحسین احسنی افزود: ... در خاتمه چون با اقدام بالا (تأسیس کتابخانه) قسمتی از مدرسه ی چهارباغ از صورت متروکه بودن بیرون آمده، قابل استفاده می شود، اداره کل باستان شناسی از این لحاظ نیز خوش وقتی دیگری پیدا کرده است...<sup>۳۹</sup>

راه اندازی یک تشکیلات خرج تراش - آن هم در اوضاع بحرانی آن روزگار - کار ساده ای نبود. احسنی چگونگی افتتاح کتابخانه را در قسمتی از نامه ی خود به وزیر فرهنگ چنین شرح می دهد: ... در هر حال... با نبودن وسایل کافی و موجود نبودن اعتباری برای این منظور، به هر ترتیبی بود مقدمات گشایش کتابخانه با مراقبت و جدیت مخصوصی که در این خصوص مبذول گردید، فراهم شد و در تاریخ سه شنبه ۱۲ اردیبهشت از جناب آقای افسار استاندار استان دهم و رئیس ادارات دولتی و معارف شهر و کارمندان دبیرستان ها و مدیران جراید و کارمندان شورای فرهنگ دعوت به عمل آمد و پس از مختصر توضیحاتی که از طرف این جانب و آقای صهبا و آقای کتابی راجع به تأسیس کتابخانه و تاریخ مدرسه ی چهارباغ و فایده ی کتابخانه بیان گردید و جناب آقای استاندار هم [۱]...<sup>۴۰</sup> را به کمک به این مؤسسه دعوت فرمودند، مراسم گشایش به عمل آمد و از تاریخ ۱۳

اردیبهشت همه روزه غیر از ایام تعطیل کتابخانه از ساعت ۴/۵ تا ۷/۵ (بعد از ظهر) مفتوح خواهد بود.<sup>۴۱</sup>

اقدام اداره ی فرهنگ هر چند در اصفهان مورد استقبال قرار گرفت و مقامات رسمی از آن حمایت نمودند، اما در وزارت خانه با سردی رو به رو شد و نمودی نیافت. دکتر فرهمندی رئیس اداره کل نگارش وزارت فرهنگ در پاسخ نامه ی اداره فرهنگ اصفهان که تقاضا کرده بود: اگر در وزارت خانه با مراکز وابسته به آن کتاب های تکراری موجود است، برای کتابخانه ی فرهنگ اصفهان فرستاده شود، نوشت: «در کتابخانه های آموزشگاه های فرهنگ اصفهان که کتاب های مکرری که بتوان جهت کتابخانه ی آن اداره فرستاده موجود نیست»<sup>۴۲</sup> و چند ماه بعد هم در پاسخ نامه ی اداره ی فرهنگ تأیید کرد: «... در موضوع ارسال کتاب برای کتابخانه ی فرهنگ آن اداره یادآوری می شود که به تازگی کتاب جدیدی به چاپ نرسیده است».<sup>۴۳</sup>

هیچ گونه نامه ای هم که نشان دهنده ی خشونتی آن وزارت خانه و تشویق دست اندرکاران باشد، در لابلای پرونده های اداری به چشم نمی خورد. بعد از چندی هم (عبسی صدیق) وزیر فرهنگ طی بخش نامه ای به تمام ادارات فرهنگ شهرستان ها اعلام نمود: «به طوری که اطلاع حاصل شده در بعضی نقاط کتاب های کتابخانه های آموزشگاه ها را به منظور تشکیل کتابخانه ی عمومی در یک جا جمع آوری می کنند به این نیت که عموم مردم از آن ها استفاده نمایند. نظر به این که اولاً مردم کتابخوان بیشتر دانش آموزان و دبیران و آموزگارانند و این طبقات با انتقال کتب به خارج از آموزشگاه ها کمتر دسترس به کتاب پیدا کرده از استفاده محروم می مانند؛ ثانیاً انتقال کتب از محل خود به جای دیگر غالباً موجب حیف و میل شدن و از بین رفتن آن ها می شود؛ ثالثاً کتب کتابخانه های مدارس بیشتر فنی و به کار شاگرد و معلم می آید و عامه چندان از آن استفاده نمی برند؛ لازم است مراقبت شود به هیچ وجه کتب آموزشگاه ها از کتابخانه ی مدرسه به جای دیگر انتقال داده نشود و برای استفاده عموم قرائتخانه ی عمومی به وسیله شهرداری های محل به وسایل مقتضی تأسیس گردد و اگر چنین عملی انجام شده قوری کتبی که از

در امور اداری و کارمندان آن نیز مداخله نماید و منظور این است که محل کتابخانه شهرداری را در کتابخانه فرهنگ قرار دهند... بدیهی است قفسه‌های کتاب‌های شهرداری جداگانه در یک اتاق به‌اختیار متصدیان کتابخانه شهرداری خواهد بود و خود آن‌ها با متصدیان کتابخانه‌ی فرهنگ مشترکاً کتاب‌ها را در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار داده و خود آن‌ها را نگاهداری خواهند نمود...»<sup>۵۷</sup>

این پیش‌نهاد هم پذیرفته نشد و «دولت‌آبادی» شهردار اصفهان طی نامه‌ای به‌استاندار اعلام کرد: «...الغلب کتب و کتابخانه نظیر یکدیگر است و چنانچه در دو نقطه باشد بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌علاوه ضمن ساختمان شهرداری محل کتابخانه معین شده و کتابخانه شهرداری به‌ناچار در آن محل قرار می‌گیرد و برای مدت محدود و موقتی نقل کتب به کتابخانه‌ی فرهنگ مناسب نیست...»<sup>۵۸</sup>

به‌این ترتیب هر دو کتابخانه جداگانه به‌کار خود ادامه دادند. با این تفاوت که کتابخانه‌ی فرهنگ با وجود نداشتن اعتبار کافی و همراهی نکردن دولت‌مردان روز به‌روز شهرت یافت و به‌صورت یک کتابخانه‌ی عمومی واقعی درآمد؛ در حالی که کتابخانه‌ی شهرداری رونقی نیافت و حتی برای مدتی تعطیل شد. کتاب‌های خطی نفیس آن هم به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه سپرده شد و باقی مانده‌ی کتاب‌ها در یکی از اتاق‌های شهرداری برای سال‌ها خاک می‌خورد.

این موضوع برای کسی که امروز ساختمان بسیار مجلل کتابخانه‌ی شهرداری را مجهز به‌امکاناتی که در استان اصفهان بی‌نظیر است، می‌بیند که درست چسیبیده به‌سازمان آموزش و پرورش در چند طبقه سر به‌آسمان می‌ساید، در حالی که از کتابخانه‌ی فرهنگ هیچ نشانی نیست، شگفت‌آور می‌نماید! کتابخانه‌ی نمره یک فرهنگ در چرخش تحولات اداری و اجتماعی چرخید و چرخید تا به‌کلی منطمس شد و حتی از کاشی‌کاری نفیس معرفی سر در آن که به‌آدمان اولین کتابخانه عمومی شهر اصفهان بود، اثری باقی نماند؛ اما کتابخانه‌ای که از «بودجه شهرداری» برخوردار بود، از کنج زیرزمین این اداره بیرون

خزید و در چشم نوازترین نقطه‌ی شهر قد برافراشت. این واقعیتی است که دست تقدیر آن را رقم زد و تنها می‌توان گفت: صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت!

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱ - Assurbanipal، بزرگ‌ترین پادشاه آشور (۶۳۱ ق.م) پسر و جانشین اسرحدون که به‌هم روی تمام اطلاعات آن عصر به‌خط میخی بر الواح سیب و گردآوری شد و در کتابخانه‌ی سلطنتی نگهداری گردید. این الواح در موزه‌ی بریتانیا موجود است و از مآخذ عمده‌ی اطلاعات کنونی از تاریخ و تمدن آشور می‌باشد. ر.ک. دایرةالمعارف فارسی مصاحب، ص ۱۲۹.
- ۲ - این کتابخانه توسط «پنولمه سوتر» تأسیس شد و جانشین وی آنرا توسعه دادند. این کتابخانه بعد از ورود سزار به‌استانکندریه موزایک شده و پس از آن بازسازی گردید و بار دیگر در سال ۳۹۱ م. ویران گردید.
- ۳ - ر.ک. دایرةالمعارف فارسی مصاحب، ص ۵۳۳.
- ۴ - «میراحمدی، مریم» کتاب‌شناسی ایران در دوران پاستان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۳۵.
- ۵ - این الواح توسط جرج کامرون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در مجسمه‌های باستانی و کتیبه‌های تخت جمشید و «دختر دارپوش» و «الواح گنج‌خانه تخت جمشید» منتشر شده است. ر.ک. همان، ص ۲۷.
- ۶ - زرین‌کوب، عبدالحمین: تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: امیرکبیر، ج پنجم، ۱۳۶۸، ص ۲۳.
- ۷ - آورده‌اند: سردار عرب فاتح فارس پس از این که به کتابخانه‌ی ارزندی ساسانیان دست یافت از عمر خلیفه‌ی دوم در این مورد کتب تکلیف کرد و عمر در پاسخ نوشت: کتاب‌ها را در آب بریز. اگر در آن‌ها رعناهایی باشد، با هدایت خداوند از آن بی‌نیازیم و اگر منضم گرامری است وجودشان لازم نیست. این روایت را نباید مسلم بدانست اما به‌هر صورت می‌تواند نشانه‌ی صریح از وجود کتابخانه‌ی بزرگ ایران در آنسایه‌ی پرورش اعراب باشد و روایت اگر بی‌تأیید فتح ایران - که با تلاقی نظام سیاسی و تغییر سبک‌های اجتماعی همراه بود - برای مدت‌ها کتابخانه‌ها را از رونق شادمانت باشد. برای اطلاع بیشتر ر.ک. همایون‌فرخ، رکن‌الدین: تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، هنر کتاب. تهران: بی‌تا، ص ۱۸.
- ۸ - همایون‌فرخ، رکن‌الدین: کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از صدر اسلام تاکنون. وزارت فرهنگ و هنر، تهران: ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۵ و ۲.
- ۹ - همان، ج ۲، ص ۱۷.
- ۱۰ - پاشی، شهبان: ملولان و حکومت ایلخانی در ایران، سمت، تهران: ۱۳۷۹، ص ۱۶۸.
- ۱۱ - پاشی، شهبان: دین و دولت در ایران عهد ملوک، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: ۱۳۷۱، ص ۲۹۶.
- ۱۲ - رکن‌الدین همایون‌فرخ تعداد ۶۲۳ کتابخانه‌ی مهم بعد از اسلام و ۱۹۰ کتابخانه‌ی موجود در زمان تألیف کتابش را با شرح و تفصیل آورده است. اما هم‌چنان ایراز می‌کند: «...توسعه این وجیزه ناپیوسته بهتر از هر کس، خود معترف به‌نقص اثر است و می‌داند که هنوز نتوانسته یک از هزار و من از هزار در این راه به‌دست آورد و به‌هیچ وجه این تاریخچه را فهرست جامع و گویایی از تاریخ کتابخانه‌های ایران طی دو هزار و پانصد سال نمی‌داند...» ر.ک. همایون‌فرخ، رکن‌الدین: کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران، ص ۲۲۸.

آن بهره‌مند شدند. شرایط عضویت تسهیل گردید و کتاب هم برای مطالعه امانت داده می‌شد که مهلت آن قابل تمدید هم بود.

غنی‌سازی مخزن کتابخانه نیز از اقداماتی بود که از روزهای نخست فکر مسؤولان را به‌خود مشغول می‌داشت. از اهداکنندگان کتاب به‌خوبی قدردانی می‌شد و خبر اقدام آنان در روزنامه‌ها درج می‌گردید. «حسن نصیری» دومین فردی بود که پس از امیرقلی امینی با اهدای یک صد جلد کتاب این نهال نورسته را باری کرد. «اسدالله مصفی» اولین رئیس فرهنگ اصفهان هم یک صد و چهل کتاب برای کتابخانه فرستاد<sup>۵۲</sup> و بسیاری از نویسندگان و حتی برخی از دانش‌آموزان کتاب‌های چاپ شده خود را به کتابخانه اهدا می‌کردند.<sup>۵۳</sup> با درگذشت اشخاص سرشناس نیز کتابخانه اقداماتی را برای انتقال کتابخانه‌ی شخصی آنان انجام می‌داد. برای مثال: پس از فوت «سردار فاتح» مکانیاتی با فرماندار چهارمحال و بختیاری و ورثه‌ی وی صورت گرفت و با درگذشت «شیخ محمد حکیم خراسانی» از مدرسان حوزه‌ی علمیه، دادسرای اصفهان، به‌درخواست اداره‌ی فرهنگ پاسخ مثبت گفت و کتاب‌های آن عالم روحانی را با حکم قضایی در اختیار کتابخانه‌ی فرهنگ قرار دادند. در سال‌های واپسین نیز اشخاصی چون «اکبر میرزا مسعود» (صاحب‌الدوله) مجموعه‌ای از کتاب‌های بسیار نفیس را به کتابخانه بخشیدند<sup>۵۴</sup> و به تدریج کتابخانه‌ی فرهنگ با در اختیار داشتن تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب‌های خطی و منحصر به فرد در شمار یکی از معتبرترین کتابخانه‌های کشور درآمد.

یکی دیگر از ترفندهایی که برای افزایش تعداد کتاب‌های کتابخانه توسط مسؤولان اداره‌ی فرهنگ به‌کار رفت - اما بی‌سرانجام ماند - انتقال کتابخانه‌ی شهرداری به کتابخانه‌ی فرهنگ بود. شهرداری اصفهان با توجه به شرح وظایف آن اداره مبنی بر راه‌اندازی کتابخانه‌ی عمومی، کتابخانه‌ی کوچکی با حداکثر ۲۰۰۰ جلد کتاب که بیشتر آن‌ها تکراری بود را در یکی از اتاق‌های اداره‌ی شهرداری تدارک دید. ولی این کتابخانه هرگز صورت یک کتابخانه‌ی عمومی را نیافت و در سال‌های بعد هم با وجودی که برخی افراد علاقه‌مند مانند «مکرم حبیب‌آبادی» روزنامه‌نگار و شاعر معروف و «محمد علی معلم حبیب‌آبادی» نویسنده‌ی کتاب «مکارم‌الآثار» تلاش کردند تا سر و سامانی

بگیرد، باز هم در برابر کتابخانه‌ی فرهنگ جلوه‌ای نداشت. سرانجام نیز کتاب‌های خطی آن به کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان اهدا گردید و برای مدتی تعطیل بود.

در تاریخ ۱۷/۷/۱۳۲۳ رئیس فرهنگ نامه‌ای به «وارسته» استاندار اصفهان نوشت و درخواست کرد: «... کتاب‌های کتابخانه‌ی شهرداری را با حفظ وضعیت... کارمندان آن به کتابخانه‌ی فرهنگ انتقال دهند...» و تصریح کرد که این کارکنان «کماکان حقوق خود را از شهرداری دریافت و در کتابخانه‌ی فرهنگ انجام وظیفه نمایند. که در حقیقت محل کتابخانه شهرداری و فرهنگ در یک محل باشد... این موضوع در شورای فرهنگ اصفهان مطرح و مقرر گردید این پیشنهاد تقدیم گردد...»<sup>۵۵</sup>

اما این پیش‌نهاد واکنش شدید شهرداری اصفهان را به دنبال داشت و یکی از کارکنان به نام «استقامت» طی نامه‌ای رسمی به استاندار مخالفت شهرداری را با این اقدام ابراز کرد و ضمن اشاره به این که کتابخانه شهرداری با بودجه‌ی شهرداری و کمک‌های مردمی تأسیس شده و همه ساله بر تعداد کتاب‌های آن افزوده می‌شود، کتابخانه شهرداری را یک «کتابخانه‌ی ملی» دانست و... که فعلاً با ترتیب سهل و آسانی مورد استفاده و در دسترس مردم می‌باشد و برای این که به نحو احسن از آن استفاده شود علاوه بر ساعات اداری، بعد از ظهرها نیز باز و به وسیله‌ی آگهی به اطلاع عموم رسیده است. و افزود: «... با وضعیت فعلی این کتابخانه، گذشته از این که دلیل جهت انتقال آن به کتابخانه فرهنگ موجود نیست، گواهی خواهند فرمود که انتقال کتاب‌های اهدایی مردم و خریداری شده از بودجه‌ی شهرداری - که جزو اموال شهرداری است - به کتابخانه‌ی فرهنگ، خالی از اشکال نخواهد بود. در این خصوص بارها مکاتبه شده موضوع مورد موافقت شهرداری و وزارت کشور واقع نشده است.»<sup>۵۶</sup>

با موضع‌گیری شهردار، احسنی رئیس اداره‌ی فرهنگ صلاح را در کوتاه آمدن دانست و با فرستادن نامه‌ی دیگری برای استاندار نوشت: «... این اداره به هیچ وجه درخواست انتقال کتاب‌های ملی شهرداری را ننموده و نخواسته است حتی

مدارس انتقال داده شده به محل سابقه خود برگردانید و نتیجه را اطلاع دهید.<sup>۲۴</sup>

از کتابخانه‌های فرهنگ در سایر شهرها خبر نداشتیم؛ اما در اصفهان مسؤولان، خود مراقب بوده‌اند که کتاب‌های درسی مورد نیاز دانش‌آموزان از دسترس ایشان دور نشود و به کتابخانه‌ی فرهنگ منتقل نگردد. این نکته هم در نامه‌هایی که برای دبیرستان‌ها فرستاده می‌شد، قید می‌گردید و هم فهرست کتاب‌های تحویل داده شده به کتابخانه‌ی فرهنگ، آن را روشن می‌سازد. برای مثال: دبیرستان سعدی که از افزون بر ۲۰۰۰ جلد کتاب در کتابخانه داشت، تنها و... چند عدد کتاب فارسی غیر کلاسی را به علاوه چند جلد کتاب انگلیسی به تشخیص آقایان «کتابی» و «ترجمان» برای کتابخانه...<sup>۲۵</sup> فرستادند. مجموع این کتاب‌ها که در تاریخ ۲۲/۱۲/۱۶ به کتابخانه ارسال شد، به ۳۰ نسخه نمی‌رسید.<sup>۲۶</sup> حتی رئیس فرهنگ، همین کتاب‌های غیر ضروری را هم دستور داده بود در قفسه‌های جداگانه که هر کدام اختصاص به یک آموزشگاه داشت، نگهداری و پس از آن که کتاب برای کتابخانه تهیه شد، به آموزشگاه بازگردانند.<sup>۲۷</sup>

به راستی چرا وزیر فرهنگ - که خود فردی صاحب قلم و اهل کتاب است<sup>۲۸</sup> - ارزشی برای این اقدام فرهنگی قابل نمی‌شود و به جای تشویق کارکنانش آنان را برای چند ده جلد کتاب غیردرسی تکراری که به کتابخانه‌ی زیر نظر اداره‌ی فرهنگ منتقل شده بازخواست می‌کند؟ چرا وزیر فرهنگ حتی یک جلد کتاب هم برای کتابخانه فرستاد؟ و چرا وزارتخانه‌ای که با نام فرهنگ زینت یافته بود، از تلاش برای گسترش فرهنگ مطالعه - که لاجرم به تقویت مبانی فرهنگ عمومی می‌انجامد - حمایت ننمود؟

بخشی از پاسخ را شاید بتوان در اوضاع زمانه جست و جو کرد. در این روزها کشور در اشغال نیروهای متفقین بسر می‌برد. وضع اقتصادی به صورت اسفناکی درآمد و کمبود خوار و بار و قحطی که نتیجه‌ی مستقیم حضور ارتش‌های بیگانه بود، موجبات نارضایتی شدید مردم را فراهم می‌ساخت. فرمان عفو عمومی و برداشته شدن محدودیت‌های ایجاد احزاب سیاسی و مطبوعات هم که بعد از تغییر سلطنت صورت گرفت، هر چند در شرایط عادی می‌توانست نتایج مفیدی به بار آورد، ولی در زمان جنگ به صورت

هرج و مرج و بی‌نظمی درآمد و دولت‌های اشغال‌گر از این آشفته بازار سود فراوان می‌بردند. در پاییز همان سال (۶ آذر ۱۳۲۲ ش / نوامبر ۱۹۴۳ م) کنفرانس تهران که اثرات مهمی در جریان جنگ جهانی دوم داشت، با حضور استالین، روزولت و چرچیل در پایتخت کشورمان تشکیل شد.<sup>۲۹</sup> و ایران که پل پیروزی متفقین گردیده بود، روز به روز خود را ناتوان‌تر و تحقیر شده‌تر می‌دید. در این روزها از دولت تنها نامی باقی بود و نباید پنداشت که وزیران در اجرای منویات خویش مختار بوده‌اند. در چنین شرایطی این اندیشه‌ی نیک در شورای فرهنگ اصفهان طرح گردید و اداره‌ی فرهنگ نیز با تمام قوا به اجرای آن کوشید.

ایجاد کتابخانه‌ای با کمتر از ۳۵۰۰ جلد کتاب آن هم در شهری چون اصفهان - که به بعضی کتابخانه‌های بزرگ آن اشاره رفت - شاید در برابر کتابخانه‌های تاریخ ایران ناچیز جلوه کند؛ اما بی‌گمان در یک مورد بر همه‌ی آنها برتری دارد و آن این که همه‌ی آن کتابخانه‌ها حاصل دوران صلح و ثبات و رونق و گشاده دستی است، در حالی که این کتابخانه، در دشوارترین شرایط و در روزگاری که معلوم نیست بی‌رقی کدام دولت بر سر در آن افزاشته گردد، حیات گرفت.

کتابخانه‌ی فرهنگ از روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ گشایش یافت و همه روز - به جز روزهای تعطیل - از ساعت ۴/۵ تا ۷/۵ بعد از ظهر باز بود. بر اساس آگهی اداره‌ی فرهنگ فقط اشخاصی می‌توانستند از کتابخانه استفاده نمایند که از طرف رئیس و کارکنان عالی رتبه‌ی اداره فرهنگ، مدیران دبیرستان‌ها، مدیران جراید و یا یکی از معارف شهر اصفهان، معرفی کنی داشته باشند. در آغاز نیز کتاب به اعضا امانت داده نمی‌شد، بلکه آنان فقط می‌توانستند در محل کتابخانه به مطالعه و استفاده از آن بپردازند.<sup>۳۰</sup> دختران هم از این کتابخانه نصیب نداشتند و رئیس فرهنگ در نامه‌ای که به دبیرستان‌ها فرستاد، توصیه کرد: «... آقایان دبیران و دانش‌آموزانی که مایلند به مطالعه‌ی کتاب، (غیر از دانش‌آموزان دختر دانش‌سرای دختران که حضور آن‌ها در کتابخانه مستثنی نیست)، به کتابخانه‌ی فرهنگ... راهنمایی نمایند».<sup>۳۱</sup>

همه‌ی این محدودیت‌ها در سال‌های بعد یک‌سره از میان رفت. ساعات کار کتابخانه افزایش یافت و دختر و پسر به یک اندازه از

۱۳ - همایون فرخ، رکن‌الدین: تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۱۵ و ۱۶.

۱۴ - فرای، رجیارد (گردآورنده): تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (از سلسله تحقیقات گروه تاریخ دانشگاه کمبریج)، ترجمه حسن توفه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۳، ج ۵، ص ۳۷۵.

۱۵ - همایون فرخ رکن‌الدین: کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران، ج ۲، ص ۳۵.

۱۶ - همان، ج ۲، ص ۷۳ و ۷۲.

۱۷ - همان، ج ۲، ص ۱۳۸.

۱۸ - همان، ج ۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۱.

۱۹ - مدرسه چهارباغ یا مدرسه مدارس که نام دیگرش مدرسه سلطنتی می‌باشد امروز به نام موزه علمی امام صادق (ع) نام‌گذاری شده است. این بنای باشکوه که در ۱۱۱۶ ق شروع شد و ساختمان آن تا ۱۱۱۸ ق و کاشی‌کاری آن تا ۱۱۲۰ ق به پایان رسید. دارای یک صند و پنجاه حجره برای سکونت طلاب علوم اسلامی است. در این مدرسه حجره‌ای کاشی‌کاری شده‌ی مجلل وجود دارد که گفته می‌شود شاه سلطان حسین گاهی در آن پسر می‌برد و به دلیل علاقه‌ای که به مساجد مذهبی داشت، از محضر استادان حوزه بهره‌مند می‌گردید. به همین دلیل برخی از منابع وی را ملاحسین نیز نامیده‌اند. ولقب‌نامه‌ی شاه سلطان حسین در مورد این مدرسه می‌آید که در موزه ایران باستان نگهداری می‌گردد.

۲۰ - همایون فرخ، رکن‌الدین: کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲۱ - در زمان صفویه مدرسه‌های دینی بسیاری در اصفهان ساخته شد که اغلب آن‌ها کتابخانه‌های معتبری داشتند. برخی از این مدرسه‌ها که کتابخانه‌ی آن‌ها مشهورتر از سایرین بوده‌اند عبارتند از: مدرسه‌ی «خواجگ ملکه» که شاه عباس آن را بازسازی کرد و مدرسی آن را به شیخ لطف‌الله حبیبی عاملی، سیرت مدرسه‌ای که «آقا کافور» خزاندار شاه عباس دوم ساخت مدرسه‌ی «سلماطه» در محل مسجد جامع عباسی، مدرسه‌ی «جده بزرگه» و «جده کوچک»، مدرسه ملا عبدالله، مدرسه «مخالصیه»، مدرسه «نصرت‌آباد» مدرسه‌ی «آقا کمال خازنه» و کتابخانه‌ی مدرسه‌ی «دلیچی» که در محله‌ی احمدآباد تا سال ۱۲۲۸ قمری هم‌چنان دایر بود. برخی اشخاص معروف چون «علاء شیخ محمد تقی مجلسی»، «شیخ نجیب‌الدین رضاء محمد طهمید»، «عطاءخان»، «صدرالدین میرفخرسکی»، «حاج حسین بیگ»، «شیخ محمد علی خزین»، «میرزا عبدالله بن حبیب بیگ»، «میرزا باقری» و «میرزا ابوزراب اصفهانی» نیز که علاقه‌مند به گردآوری نسخه‌های نفیس و با دارای ارزش علمی و ادبی بودند هر یک صاحب کتابخانه‌های با ارزشی بوده‌اند که با پرورش افغانها به اصفهان دستخوش تاراج شد و با «چار عدم» نابودی گردید. شیخ محمد علی خزین که از سخنوران اواخر صفویه و اوایل قاجاریه می‌باشد کتابخانه‌ی داشت که در محله‌ی افغانها از میان رفت. وی در بخشی از تذکری خزین می‌نویسد: «کتابخانه‌ی فقیر و آنچه بود به غارت رفت و مرا بر تلف شدن آن نسخه‌ها تألیف است». این نکته که افغانها سستی مذهب بودند و مدارس دینی اصفهان و کتابخانه‌های اشخاص دارای کتاب‌های نفیسه بودند. در نابودی آن همه کتاب‌های با ارزش بی‌تأثیر نبوده است. برای اطلاع بیشتر در مورد کتابخانه‌های نام برده شده در بالا بنگرید: همایون فرخ، رکن‌الدین: کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران، ج ۲، ص ۱۵۰ تا ۱۵۵ و ۱۱۰ و ۱۱۳.

۲۲ - علی‌السلطان قاجار، مسعود میرزا: خاطرات علی‌السلطان سرگذشت حسودی، ج ۲، بخش و تصحیح حسین عدلی‌چینب اسماطر، تهران، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵-۲.

۲۳ - دولت‌آبادی، حبیبی، حیات حبیبی، ج ۱، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۲۴ - همان، ص ۲۲۱.

۲۵ - همان، ص ۲۲۲.

۲۶ - جیوه‌های کاشی از این روزنامه در موزه‌ی آموزش و پرورش اصفهان نگهداری می‌گردد. برای اطلاع بیشتر در مورد این روزنامه بنگرید به رجایی، عبدالقادر، نقد و بررسی روزنامه فرهنگ اصفهان، فصل‌نامه رسالت، شماره ۸۰ و نیز: قاسمی، فرید: سرگذشت مطبوعات ایران.

۲۷ - روزنامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۳۹۹، (۲ صفر ۱۳۰۲ ق).

۲۸ - برای اطلاع بیشتر درباره‌ی پیدایش مدارس جدید در اصفهان و اهمیت نقش ارائه جفا در تأسیس این‌گونه مدارس بنگرید به: حسکرانی، محمد رضا.

۲۹ - تأسیس مدارس جدید در اصفهان، فصل‌نامه‌ی آموزشی، پژوهشی، تربیتی آموزش،

شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۳ تا ۲۳ و تأسیس مدارس دخترانه در اصفهان، همان مآخذ، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۲.

۲۹ - روزنامه‌ی فرهنگ، شماره ۵۹۵، (۱۰ محرم ۱۳۰۶).

۳۰ - برای اطلاع بیشتر از چگونگی اوضاع اصفهان در زمان حکومت ظل‌السلطان بنگرید به: حسکرانی، محمدرضا، نقش مردم اصفهان در نهضت مشروطیت ایران (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد - تالیف)، استاد راهنما دکتر لقمان وطن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ۱۳۷۶، صص ۱۶-۳۰.

۳۱ - روزنامه‌ی شکوفه، سال سوم، ش ۶، (۸ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق).

۳۲ - جناب، سید حبیب‌الدین: تاریخ معارف اصفهان (چاپ سنگی)، اصفهان، گلنهار، ۱۳۳۶ قمری، ص ۱۵.

۳۳ - پایگانی راکد سازمان آموزش و پرورش اصفهان، پرونده کتابخانه‌ی فرهنگ، سند شماره ۲۰۴.

۳۴ - همان سند شماره ۲۳۱/۱/۱۲.

۳۵ - در مدارک موجود در پرونده ۳۲۰ جلد تحویل داده شده است که در تاریخ ۲۳/۱/۱۳۵ هم گزارش آن برای جرابد اصفهان ارسال گردید و فهرست کتاب‌ها و مشخصات در پرونده موجود است.

۳۶ - پایگانی راکد سازمان آموزش و پرورش اصفهان، پرونده‌ی کتابخانه‌ی فرهنگ سند شماره ۲۰۴.

۳۷ - همان سند شماره ۲۳۱/۱/۱۲.

۳۸ - دکتر علی محمد فروغی، آئین‌نامه‌ی پدر دکتر فریدون فروغی از شخصیت‌های برجسته‌ی فرهنگی است که پس از مدتی به تهران رفت و در دانشگاه تهران ریاست کتابخانه‌ی آن دانشگاه را به عهده گرفت.

۳۹ - استاد پایگانی راکد سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، پرونده‌ی کتابخانه‌ی فرهنگ، سند شماره ۲۲۱.

۴۰ - یک کلمه خوانده شده است «آقای».

۴۱ - پایگانی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، پرونده‌ی کتابخانه‌ی فرهنگ، سند شماره ۲۳۱/۱/۱۲.

۴۲ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۴۳ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۴۴ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۴۵ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۴۶ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۴۷ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۴۸ - حبیبی صدیق وزیر فرهنگ کاشی با عنوان «تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر» به رشته‌ی تحریر در آورده است که شامل تاریخچه‌ی از تعلیم و تربیت در ایران باستان و ایران دوران اسلامی می‌باشد. فصول پایانی این کتاب اطلاعات کلی درباره‌ی شکل‌گیری نظام آموزشی جدید در ایران به دست می‌دهد و مطالبی درباره‌ی سازمان اداری فرهنگ تا زمان تألیف کتاب (۱۳۲۷) در عبود دارد. مشخصات این کتاب به شرح زیر است:

صاحب: حبیبی، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۹.

۴۹ - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا: تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، صص ۲۱۲ و ۲۱۵.

۵۰ - استاد پایگانی راکد سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، پرونده‌ی کتابخانه‌ی فرهنگ، سند شماره ۲۱۲.

۵۱ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۲ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۳ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۴ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۵ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۶ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۷ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

۵۸ - همان سند شماره ۲۲۱/۱/۱۲.

کتابخانه‌ی گروه تعلیم و تربیت